

## بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران

بیتا مشایخی \*

امیرحسین حسین پور \*\*

### چکیده

بیشتر پژوهشهای مدیریت سود که در ایران صورت گرفته، بر روی اقلام تعهدی غیرعادی تمرکز داشته است. این در حالی است که مدیریت سود از دو طریق اقلام تعهدی و فعالیت های واقعی صورت می گیرد و این دو مدیریت سود مکمل یکدیگر هستند (سانجایا و ساراگیه، ۲۰۱۲). از آنجایی که طبق پژوهش جونز و همکاران (۲۰۰۸)، اقلام تعهدی در نهایت منجر به تقلب می شود، تا کنون پژوهشی از بابت ارتباط بین دو مدیریت سود تعهدی و واقعی در شرکتهای مشکوک به تقلب صورت نگرفته است. لذا در این پژوهش به بررسی ارتباط این دو مدیریت سود در شرکت های مشکوک به تقلب بورسی ایرانی پرداخته شده است. به منظور تجزیه و تحلیل این ارتباط از روش تحلیل پانلی استفاده شده است. در جهت تجزیه و تحلیل مذکور از اطلاعات ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که مشکوک به تقلب می باشند، در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۷، استفاده شده است. یافته ها حاکی از این است که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکتهای بورسی مشکوک به تقلب، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تاثیر منفی و معنی داری دارد. در نتیجه، پژوهشگران، استانداردگذاران و حسابرسان بایستی به هر دو مدیریت سود تعهدی و واقعی در شرکت های مشکوک به تقلب توجه لازم داشته باشند. همچنین بایستی کیفیت حسابرسی در شرکتهای مشکوک به تقلب بورسی ایرانی تقویت شود.

**واژگان کلیدی:** مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی، تقلب، اعضای موظف، نوع حسابرس.

\* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه تهران

\*\* دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول) amhosseinpour@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱

## مقدمه

با توجه به اقلام صورت های مالی، سود یکی از مهمترین عوامل موثر بر تصمیم گیری های اقتصادی می باشد، چنانچه این قلم از صورت های مالی کیفیت بالا و قابل اتکایی داشته باشد در تصمیمات استفاده کنندگان تاثیر بسزایی دارد. یکی از اهداف اساسی وضع استانداردهای حسابداری این است که استفاده کنندگان بتوانند با اتکا بر صورت های مالی تصمیمات نسبتا مربوط و صحیحی اتخاذ کنند. از طرفی نیز، مدیران برای رسیدن به اهداف خاصی که منطقا منافع عده ای خاص را تامین می کند ممکن است سود را طوری گزارش کنند که با هدف تامین منافع عمومی استفاده کنندگان مغایرت داشته باشد (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). به مجموعه اقداماتی که مدیران در جهت آراستن اطلاعات برای دستیابی به اهداف خاص انجام می دهند، مدیریت سود اطلاق می شود (شمسایی، ۱۳۹۲). مباحثی بین پژوهشگران وجود دارد و این است که آیا مدیریت سود خوب است یا بد. خوب بودن یا بد بودن مدیریت سود با توجه به انگیزه های پشت استفاده از تکنیک های مورد استفاده دارد. مطالعات اخیر همچون ماسفیگر و همکاران (۲۰۱۳)، انگیزه هایی همچون منافع شخصی، پاداش مدیریت و انگیزه های مالیاتی را بیان کرده اند.

پژوهش حاضر شواهد مناسبی را نسبت به استفاده رویه های مدیریت سود، از طریق ارتباط بین مدیریت سود تعهدی که نماینده ی آن اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی که نماینده ی آن جریانهای نقدی اختیاری است، در شرکت های مشکوک به تقلب ارائه می دهد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### تعریف مدیریت سود

در ادبیات حسابداری ارائه تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب های مالی مشخص نمی باشد؛ ولی تفاوت های مفهومی آشکاری میان فعالیت های حسابداری تقلبی و قضاوت ها و برآوردهایی که در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری قرار می گیرند، وجود دارد و از آنها می توان جهت مدیریت سود سالم استفاده نمود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). هیلی و واهلن (۱۹۹۹) بیان کردند مدیریت سود هنگامی اتفاق می افتد که مدیران قضاوتهایی را در گزارشگری مالی و ساختار معاملات، جهت تغییر گزارشگری مالی، استفاده کنند و این اقدام آنها یا به علت گمراه

کردن سهامداران می باشد یا به علت تاثیر بر قراردادهایی که وابسته به اعداد حسابداری هست. شیپر (۱۹۸۹) مدیریت سود را دخالت هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی خارجی با قصد تحصیل سود، تعریف کرد. همچنین ماگرات و ولد (۲۰۰۲) بیان کردند که رویه‌های مدیریت سود به این جهت طراحی شدند که به مدیران کمک کند که وظایفشان را نسبت به سهامداران انجام دهند یا سرمایه گذاران را فریب دهند.

### مدیریت سود و تقلب در صورت های مالی

با توجه به تعریف مدیریت سود و تکنیک های مختلف آن، این موضوع حائز اهمیت است که معنای تقلب و گزارشگری مالی متقلبانه شفاف سازی شود. بیانیه استانداردهای حسابرسی<sup>۱</sup> شماره ۹۹ که توسط انجمن حسابداران رسمی آمریکا<sup>۲</sup> در نوامبر ۲۰۰۲ صادر شد، گزارشگری مالی متقلبانه را به این صورت تعریف کرد: "اظهار غلط عمدی یا حذف مقادیر افشا در صورت های مالی طراحی شده به جهت فریب استفاده کنندگان صورتهای مالی". بر مبنای این تعریف، صورت های مالی متقلبانه ممکن است به عنوان تخلف از هر استاندارد حسابداری و حسابرسی، قوانین و مقررات، با هدف فریب استفاده کنندگان صورت های مالی باشد. رحمانی (۱۳۸۹) بیان کرد که مدیران از اختیار و آزادی عملی که به واسطه اصول پذیرفته شده حسابداری به آن ها داده شده است سوء استفاده می کنند و عمدا اطلاعات مندرج در صورت های مالی را مخدوش می کنند. مدیریت با وجود این که ممکن است با مدیریت سود، استانداردهای حسابداری را نقض نکند، ولی همچنان می تواند منجر به ارائه اطلاعات نادرستی درباره شرکت شود و سرمایه گذاران را نسبت به قضاوت در خصوص عملکرد شرکت فریب دهد (شمسایی، ۱۳۹۲). پرولز و لوجی (۲۰۱۱) بیان کردند، شرکتها هم از طریق روش های منطبق با اصول پذیرفته شده حسابداری<sup>۳</sup> و هم از طریق روشهای غیر منطبق با آن، می توانند اقدام به دستکاری صورت های مالی کنند، بنابراین می توان گفت دستکاری صورت های مالی یا مدیریت سود اطلاق می شود یا ارتکاب تقلب. دچو و همکاران (۱۹۹۶) بیان کردند، به دلیل این که معکوس سازی ارقام تعهدی محدودیت هایی به همراه دارد، شرکت هایی که اقدام به مدیریت سود می کنند یا با پیامدهای اقتصادی این عمل روبرو می شوند یا در جهت خنثی

1. Statement of Auditing Standards (SAS)

2. American Institute of Certified Public Accountant (AICPA)

3. Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)

نمودن اثرات آن، دست به تقلب می زنند. به نوعی که جونز و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند که می توان بین ارقام تعهدی اختیاری ایجاد شده و تقلب یک ارتباط مثبت در نظر گرفت. شرکتهایی که مرتکب تقلب می شوند شرکتهایی هستند که هم دارای سابقه مدیریت سود هستند و هم می توانند جز شرکت هایی باشند که سابقه مدیریت سود نداشته اند و تنها به علت انگیزه های تقلب، مرتکب این عمل شده اند (پرولز و لوجی، ۲۰۱۱).

#### مدیریت سود خوب در برابر مدیریت سود بد

مدیریت سود "بد" که در اصل، همان مدیریت سود نامناسب است، عملکرد عملیاتی واقعی شرکت را با استفاده از ایجاد ثبت های حسابداری مصنوعی یا تغییر برآوردها از میزان معقول، مخفی نگه می دارد. برای مثال ثبت درآمدهای دوره بعد در دوره جاری و یا کاهش هزینه های مطالبات سوخت شده به جهت افزایش حاشیه سود، می تواند مدیریت سود "بد" باشد (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). بنابراین مدیریت سود بد به صورت غیراخلاقی از طرف مدیران صورت می گیرد و این اقدام مدیران به نفع شرکت نمی باشد. درکنار مدیریت سود "بد"، مدیریت سود "خوب" نیز وجود دارد. رویه های مدیریت سود خوب زمانی پیاده سازی می شود که مدیران به صورت اخلاقی این رویه ها را انجام دهند و از این طریق بتوانند قیمت سهام شرکت را افزایش دهند، شرکت را در جهت تامین مالی توانمند سازند، ثروت همه سهامداران را افزایش دهد، اطمینان سرمایه گذار را افزایش داده، اطمینان نسبت به کیفیت گزارشگری مالی را افزایش داده، شرکت را نسبت به رسیدن به نتایج مالی قابل پیش بینی توانمند سازد و همچنین اطمینان نسبت به تداوم فعالیت شرکت را ایجاد کند. همچنین دجورج (۱۹۹۹)، مدیریت سود "خوب" را مدیریت سود "عملیاتی" بیان کرد، چرا که در آن مدیریت در جهت ایجاد عملکرد مالی با ثبات اقداماتی همچون تشویق یا تنبیه کارکنان را انجام می دهد که به اهداف تولید و رقابتی خود دست یابد. یک مدیریت سود خوب ممکن است تصمیم گیری کند که به اختیار در دوره ای که درآمد عملیاتی پایین است، تعدادی از دارایی ها به فروش رود. در صورتی که به طور مناسب بیان شود، روند ایجاد شده، گمراه کننده نخواهد بود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴).

### مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی

یافته های پژوهش های مختلفی وجود مدیریت سود در شرکت های بورسی ایران را تأیید می کند (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴؛ نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). ماتسورا (۲۰۰۸)، سانجایا و ساراگیه (۲۰۱۲)، متداولترین روش های مدیریت سود را مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی بیان کردند. در این پژوهش نیز تأکید بر مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی در شرکتهای مشکوک به تقلب بورسی ایرانی می باشد. سانجایا و ساراگیه (۲۰۱۲) در پژوهشی بیان کردند که معمولاً مدیریت سود واقعی در طی دوره جاری اتفاق می افتد و باعث افزایش زیان برای شرکت در پایان دوره می شود و در جهت اجتناب از زیان، مدیران، سود را از طریق ارقام تعهدی اختیاری مدیریت خواهند کرد. انتظار می رود که تصمیمات مدیران برای دستکاری فعالیت های واقعی در طی دوره، به مدیریت سود تعهدی در پایان دوره اثرگذار باشد. مدیریت سود واقعی از آنجا که بر جریان های نقد شرکت اثرگذار است، محدودیت ها و مسئولیت هایی را برای مدیران ایجاد می کند؛ به نظر می رسد مدیران در تصمیمات خود برای مدیریت ارقام تعهدی، دستکاری هایی را که بر روی فعالیت های واقعی انجام داده اند را نیز در نظر می گیرند و از ترکیبی از این انواع مدیریت سود استفاده می کنند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲). برانز و مرچنت (۱۹۹۰) و گراهام و همکاران (۲۰۰۵) بیان کردند، مدیران مالی علاقه بیشتری به دستکاری فعالیت های واقعی دارند تا دستکاری ارقام تعهدی، دو دلیل برای این موضوع بیان کردند، اول اینکه دستکاری ارقام تعهدی بیشتر از دستکاری فعالیت های واقعی توجه موشکافانه حسابرس و قانون گذار را به طرف خود می کشد؛ و دوم این که تکیه صرف به دستکاری ارقام تعهدی در پایان دوره ریسک است، چرا که ممکن است میزان دستکاری موردنیاز برای رسیدن به سود موردنظر و آستانه ای بیشتر از مقداری باشد که با دستکاری ارقام تعهدی امکان پذیر است و در صورت بروز چنین موضوعی فعالیت های واقعی نمی-تواند در پایان دوره دستکاری شوند.

مدیریت سود تعهدی شامل انتخاب های حسابداری در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری است که در تلاش است عملکرد اقتصادی واقعی را مبهم نشان دهد (دچو و اسکینر، ۲۰۰۰). ارقام تعهدی به دو قسمت اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می شوند. ارقام تعهدی اختیاری آن دسته از ارقام تعهدی هستند که تحت کنترل مدیریت می باشند و به راحتی هدف دستکاری واقع می شوند در حالی که ارقام تعهدی غیراختیاری تحت کنترل

مدیریت واحد تجاری نمی باشند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲). مدیریت سود واقعی نیز به عنوان گذر از رویه های عملیاتی عادی با هدف رسیدن به اهداف سود کوتاه مدت است (رچودهری، ۲۰۰۶). مدیریت سود واقعی از طرق مختلفی به وجود می آید که عبارتند از دستکاری هزینه های اختیاری (رچودهری، ۲۰۰۶)، تولید اضافی (توماس و ژانگ، ۲۰۰۲)، تخفیفات قیمتی فروش (یو، ۲۰۰۸)، تغییر زمان فروش دارایی ها (گانی، ۲۰۱۰)، فروش اوراق قابل معامله (هرمن و همکاران، ۲۰۰۳) که همگی به علت افزایش سود سازمان انجام می شود. معمولا ارزیابی مدیریت سود واقعی، رفتار فرصت طلبانه را آشکار می کند و سرمایه گذاران، بی کفایتی در استفاده از منابع را خواهند دید و این نوع مدیریت سود، یکی از پیامدهای مهم تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است (خیراللهی و همکاران، ۱۳۹۳).

با توجه به مبانی نظری بیان شده، در پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکتهای مشکوک به تقلب بورسی ایرانی پرداخته شده است.

### پیشینه پژوهش

گانی (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی عواقب مدیریت سود واقعی پرداخت. نتایج پژوهش آنها به این صورت بود که فعالیتهای مدیریت سود واقعی، تاثیر منفی در عملکرد عملیاتی آتی دارد. رچودهری (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که مدیران از طریق مدیریت سود واقعی از گزارش زیان اجتناب می کنند. کوهن و همکاران (۲۰۰۷) نیز به بررسی مدیریت سود تعهدی و واقعی قبل و بعد از دوره های قانون ساربینز آکسلی پرداختند. آنها بیان کردند که مدیریت سود تعهدی به طور پیوسته از سال ۱۹۸۷ تا زمانی که قانون ساربینز آکسلی در سال ۲۰۰۲ تصویب شود، در حال افزایش بود ولی بعد از ایجاد قانون ساربینز آکسلی به حالت کاهش درآمد. همچنین او بیان کرد، این موضوع در مدیریت سود واقعی برعکس است. سطح مدیریت سود واقعی قبل از قانون ساربینز آکسلی پایین بود ولی بعد از قانون ساربینز آکسلی به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافت. زنگ (۲۰۰۷) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید، مدیریت قبل از اعمال مدیریت سود تعهدی درباره مدیریت سود واقعی تصمیم گیری می کند. ماتسورا (۲۰۰۸) به بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری از منظر هموارسازی سود پرداخت. نتایج

پژوهش او نشان دهنده این است که مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری در جهت هموارسازی سود استفاده می شود و همچنین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری با یکدیگر رابطه مثبتی دارند. پرولز و لوجی (۲۰۱۱) در پژوهشی به ارتباط مدیریت سود و تقلب در صورت های مالی پرداختند و نتیجه پژوهش آنها به این صورت بود که سابقه مدیریت سود و احتمال تقلب در صورت های مالی را بطه مستقیم و معنی داری دارد. سانجایا و ساراگیه (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی تاثیر می گذارد. او به این نتیجه رسید که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی به طور مستقیم تاثیرگذار است و هرچه دستکاری های فعالیت های واقعی بیشتر شود، باعث تاثیر بیشتر بر مدیریت سود تعهدی در پایان دوره می شود. ناکاشیما و زیبارت (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا قانون سارینز آکسلی در ژاپن تاثیری بر مدیریت سود و کیفیت سود داشته است. پژوهشگران مذکور به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود تعهدی برای شرکت های نمونه در قبل و بعد از قانون سارینز آکسلی قابل ملاحظه بود ولی مدیریت سود واقعی برای شرکت های نمونه برای بعد از قانون سارینز آکسلی کاهش یافته است. بهار مقدم و حسنی فرد (۱۳۸۹) پژوهشی مرتبط با بررسی دستکاری رویدادهای مالی و واقعی بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رابطه معنی داری بین وجوه نقد عملیاتی و تغییرات موجودی کالا و مدیریت سود در شرکت های بورسی وجود دارد. کرمی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری در جهت هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته های پژوهش آنها نشان داد، زمانی که مدیران درمی یابند سود گزارش شده کمتر از سطح سود موردانتظار می باشد، سطوح بهینه ای را برای هر دو راهکار مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری تعیین می کنند و تصمیمات دستکاری فعالیت های واقعی و ارقام تعهدی را به طور هم زمان اتخاذ می کنند. انصاری و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به بررسی تاثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین معیارهای دستکاری فعالیت های واقعی (جریان نقد عملیاتی غیرعادی و هزینه های اختیاری غیرعادی) و مدیریت سود تعهدی ارتباط مستقیم و معنی داری وجود دارد. فرقاندوست حقیقی و همکاران

(۱۳۹۳) در مطالعه ای رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در شرکت های با سابقه مدیریت سود، احتمال ارتکاب تقلب در صورت های مالی وجود دارد.

### فرضیه پژوهش

مطابق آنچه در بخش ادبیات و پیشینه پژوهش بیان گردید، مدیریت سود تعهدی احتمال دارد که به تقلب منجر شود و به نوعی بین اقلام تعهدی اختیاری با تقلب ارتباط مثبتی وجود دارد (جونز و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین متداولترین روش ها برای مدیریت سود، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی می باشد (سانجایا و ساراگیه، ۲۰۱۲) و از آنجایی که مدیریت قبل از اعمال مدیریت سود تعهدی درباره مدیریت سود واقعی تصمیم گیری می کند (زننگ، ۲۰۰۷)، لذا می توان بیان کرد، در شرکت های مشکوک به تقلب، با توجه به عوامل تقلب بیان شده در پژوهش فرقاندوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳) که مرتبط با دستکاری اقلام صورت های مالی و مدیریت سود می باشد، ممکن است مدیریت سود رخ داده در شرکت های مشکوک به تقلب، از طریق ارتباط بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی باشد. لذا فرضیه پژوهش به شرح زیر است:

- در شرکت های مشکوک به تقلب، مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی تاثیر معنی داری دارد.

### روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی می باشد. همچنین براساس ماهیت مطالعه، از نوع توصیفی بوده و از نظر زمان نیز، جزء پژوهش های گذشته نگر می باشد. لازم به ذکر است این پژوهش، از نظر کاربرد، جزء پژوهشهای نتیجه گرا و از نظر نوع داده، جزء پژوهشهای کمی و توصیفی-تحلیلی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش ابتدا از روش های آمار توصیفی (میانگین، میانه، انحراف معیار،...) و سپس از آمار استنباطی (تحلیل پانلی و تحلیل رگرسیون حداقل مربعات<sup>۱</sup> معمولی) برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

جامعه آماری و قلمرو نمونه آماری پژوهش

---

1. Ordinary Least Square (OLS)



قلمرو مکانی پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که براساس یکی از عوامل تقلب پژوهش فرقاندوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳) مشکوک به تقلب در نظر گرفته شده اند. بازه زمانی مورد استفاده در این پژوهش، سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می باشد. در این پژوهش برای نمونه گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است، بدین منظور کلیه شرکت های جامعه آماری که طی دوره زمانی مورد مطالعه یکی از عوامل تقلب پژوهش فرقاندوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳) را داشته باشند، به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف می شوند. با توجه به این که انجمن بازرسان رسمی کشف تقلب (۱۹۹۵) تقلب از نوع گزارشگری مالی را ارائه نادرست و یا از قلم- انداختن آگاهانه اقلام اساسی و با اهمیت اطلاعات حسابداری به گونه ای گمراه کننده می داند که منجر به تغییر و یا تعدیل تصمیم و قضاوت خوانندگان صورتهای مالی می شود (فرقاندوست حقیقی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ به منظور گزینش شرکت های مشکوک به تقلب در صورتهای مالی، از یکسری عواملی که مرتبط با ارائه نادرست و گمراه کننده اطلاعات حسابداری در گزارشگری مالی است، استفاده شده است. در این پژوهش، جهت گزینش شرکت های مشکوک به تقلب در صورت های مالی از روش پژوهش فرقاندوست حقیقی و برواری (۱۳۸۸) استفاده شده است. در این روش فرض گردیده است که شرکت هایی که طی دوره مورد رسیدگی گزارش های حسابرسی آنها مردود، عدم اظهارنظر یا مشروط بوده اند دارای احتمال بیشتری به ارتکاب تقلب نسبت به شرکت هایی می باشند که گزارش حسابرسی مقبول دارند. بنابراین در ابتدا شرکت هایی که گزارش حسابرسی آنها در طی دوره مورد رسیدگی، مردود، عدم اظهارنظر یا مشروط بوده شناسایی می شود. سپس از بین موارد شناسایی شده، شرکت هایی که در گزارش حسابرسی آنها یکی از مصادیق تقلب ذیل علت نوع اظهار نظرشان ذکر گردیده اند، با احراز یکی از مصادیق، به عنوان شرکت مشکوک به تقلب شناسایی می شوند. پنج مصداق اول بر مبنای پژوهش های ماهر و همکاران (۲۰۰۷)، فرقاندوست حقیقی و برواری (۱۳۸۸)، و کیلی فرد و همکاران (۱۳۸۸) و حسینی (۱۳۹۰) انتخاب گردیدند که عبارتند از (فرقاندوست حقیقی و همکاران، ۱۳۹۳):

- ۱) شناسایی نادرست درآمدها و اندازه گیری نادرست درآمدهای تحقق یافته
- ۲) بیش نمایی در دارایی ها و موجودی های پایان دوره،
- ۳) شناسایی نادرست هزینه و عدم اندازه گیری هزینه های محقق شده،
- ۴) کم نمایی در بدهی ها و استفاده نادرست و متقلبانه از حساب های ذخیره،

۵) عدم تهیه صورت های مالی با فرض توقف فعالیت شرکت هایی که فرض تداوم فعالیت آنها به شکل اساسی زیر سوال رفته و در گزارش های حسابرسی بازتاب یافته. همچنین ششمین مصداق براساس بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران بیان شده است که عبارت است از (فرقاندوست حقیقی و همکاران، ۱۳۹۳):

۶) بکارگیری نادرست یا عدم رعایت رویه ها، برآورد و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری مرتبط با اندازه گیری، شناسایی، طبقه بندی، ارائه یا افشا اقلام با اهمیت صورت های مالی (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۱).

علاوه بر موارد فوق در جهت انتخاب شرکت های مشکوک به تقلب بایستی شرایط زیر وجود داشته باشد:

با توجه به این که در این پژوهش، دوره زمانی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار می گیرد، شرکت های مشکوک به تقلب باید قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛ از ابتدای سال ۱۳۸۷ نیز سهام آنها در بورس مورد معامله قرار گیرد. همچنین کلیه اطلاعات مورد نیاز شرکتها در دسترس باشد و شرکت های مذکور جزء شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، لیزینگ و نهادهای پولی و مالی نیز نباشند.

با توجه به شرایط و محدودیت های فوق، ۱۰۷ نمونه شرکت مشکوک به تقلب انتخاب شده و فرضیه پژوهش با استفاده از داده های شرکت های مذکور در سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲، مورد آزمون قرار گرفته است. همچنین لازم به ذکر است، تعداد مشاهدات، از نظر سال / شرکت، ۶۴۲ مشاهده می باشد.

#### مدل های تجربی پژوهش و تعاریف عملیاتی

در این پژوهش از دو متغیر نماینده مدیریت سود، یعنی مدیریت سود تعهدی<sup>۱</sup> و مدیریت سود واقعی<sup>۲</sup>، به ترتیب به عنوان متغیرهای وابسته و مستقل و همچنین از متغیرهای کنترلی درصد اعضای موظف هیئت مدیره، نوع حسابرس و بازده دارایی ها، استفاده شده است. تعریف عملیاتی هر یک از این متغیرها به شرح زیر می باشد:

---

1. Accrual Earning Management (AEM)  
2. Real Earning Management (REM)

مدیریت سود واقعی: مدیریت سود واقعی، نمایانگر بخش اختیاری جریانهای نقد عملیاتی می باشد. جریانهای نقد اختیاری حاصل از عملیات، فعالیتهای واقعی مدیران در راستای مدیریت سود را نشان می دهد. مدیریت سود واقعی که جریان نقد عملیاتی اختیاری است با استفاده از نسخه اصلاح شده مدل روچودهری (۲۰۰۶) به صورت زیر و با استفاده از داده‌های شرکتهای مشکوک به تقلب، که این داده ها روی پایگاه داده تحقیقات مالی بورس اوراق بهادار می باشد، برای هر سال/ شرکت برآورد می گردد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۰):

$$ROA_{it} + \varepsilon_{it} = a_0 + a_1 \Delta SALE_{it} + a_2 CFO_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

متغیرهای مدل (۱) به شرح زیر می باشد:

$CFO_{it}$ : جریان های نقد عملیاتی شرکت  $i$  در سال  $t$  می باشد که از طریق جریان های نقد حاصل از عملیات تقسیم بر جمع دارایی های ابتدای دوره به دست می آید.  $SALE_{it}$ : فروش شرکت  $i$  در سال  $t$  می باشد که از طریق فروش خالص در دوره جاری تقسیم بر جمع دارایی های ابتدای دوره به دست می آید.  $\Delta SALE_{it}$ : تغییرات سالیانه در فروش شرکت  $i$  در سال  $t$  می باشد که از طریق تغییرات سالیانه در فروش سال جاری نسبت به سال قبل، تقسیم بر جمع دارایی های ابتدای دوره به دست می آید.  $\varepsilon_{it}$ : مجموع چهار قلم سمت راست مدل (۱)، بیانگر جریان های نقد غیر اختیاری حاصل از عملیات می باشد. با توجه به این که جریان های نقد عملیاتی شامل بخش اختیاری و بخش غیر اختیاری است، بنابراین  $\varepsilon_{it}$  بخش اختیاری جریان های نقد حاصل از عملیات است و به عنوان نماینده مدیریت سود واقعی است که در این پژوهش با REM نشان داده شده است. برای محاسبه جریان های نقد عملیاتی اختیاری، ابتدا مدل (۱) را برای نمونه های موردنظر و به صورت سال/ شرکت برآورد شده و سپس مقادیر باقی مانده برآوردها به عنوان مدیریت سود واقعی محاسبه شده است.

مدیریت سود تعهدی: مدیریت سود تعهدی نمایانگر ارقام تعهدی اختیاری می باشد. برای کشف مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی مدل هایی ارائه شده است که مهمترین آنها عبارتند از (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱): مدل هیلی (۱۹۸۵)، مدل دی آنجلو (۱۹۸۶)، مدل صنعت (۱۹۹۱)، مدل جونز (۱۹۹۱)، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵)، مدل کازنیک (۱۹۹۹)، مدل دچو و دچاو (۲۰۰۲)، مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، مدل دچو و دچاو تعدیل شده (۲۰۰۶) و مدل استوبین (۲۰۱۰). پژوهشگران زیادی از مدلهای مختلفی

نظیر مدل جونز و مدل تعدیل شده جونز برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری استفاده کرده‌اند. با توجه به این که مطالعات پیشین نشان می‌دهد که حتی بهترین مدل‌های برآورد اقلام تعهدی اختیاری شامل مقدار زیادی از اقلام تعهدی غیر اختیاری می‌باشد، لذا تاکنون مدل مناسب و مورد توافقی برای اقلام تعهدی اختیاری ارائه نگردیده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به این که از سال ۲۰۰۵ بسیاری از پژوهشگران از مدل ارائه شده توسط کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) برای برآورد اقلام تعهدی استفاده کرده‌اند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۰)، لذا در این پژوهش اقلام تعهدی اختیاری از طریق باقیمانده مدل مقاله کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، که در زیر تشریح می‌شود، اندازه‌گیری می‌گردد:

$$TACC_{it} = b_0 + b_1 PPE_{it} + b_2 \Delta SALE_{it} + b_3 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

متغیرهای جدید مدل (۲) به شرح زیر می‌باشد:

$TACC_{it}$ : کل اقلام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$  می‌باشد؛ که از طریق تفاوت بین جریان‌های نقد حاصل از عملیات و سودخالص بعد از مالیات، تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره به دست می‌آید.  $PPE_{it}$ : ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت  $i$  در سال  $t$  است؛ که از طریق اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص در ابتدای دوره تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره به دست می‌آید.  $ROA_{it}$ : بازده دارایی‌ها در دوره جاری شرکت  $i$  در سال  $t$  می‌باشد؛ که از طریق سود قبل از مالیات تقسیم بر دارایی‌های کل به دست می‌آید.  $\varepsilon_{it}$ : مجموع چهار قلم سمت راست مدل (۲)، بیانگر اقلام تعهدی غیراختیاری می‌باشد. با توجه به این که اقلام تعهدی شامل بخش اختیاری و بخش غیراختیاری است، بنابراین  $\varepsilon_{it}$  بخش اختیاری اقلام تعهدی است و به عنوان نماینده مدیریت سود تعهدی است که در این پژوهش با  $AEM$  نشان داده شده است. برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری ابتدا مدل (۲) را برای نمونه موردنظر و به صورت سال/ شرکت برآورد شده و سپس مقادیر باقی مانده برآوردها به عنوان مدیریت سود تعهدی محاسبه شده است. در نهایت با استفاده از تخمین‌های حاصل از مدل رگرسیون (۳)، فرضیه پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد:

مدل (۳)

$$AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 REM_{it} + \beta_2 \% INSD_{it} + \beta_3 AUDITYPE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای جدید مدل (۳) به شرح زیر می‌باشد:

$AEM_{it}$ : ارقام تعهدی اختیاری شرکت  $i$  در سال  $t$  می باشد که براساس مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) برآورد شده است.  $REM_{it}$ : جریان نقد اختیاری حاصل از عملیات شرکت  $i$  در سال  $t$  است که از طریق نسخه اصلاح شده مدل روچودهری (۲۰۰۶) برآورد شده است.  $INSD_{it}\%$ : درصد اعضای موظف هیئت مدیره شرکت  $i$  در سال  $t$  است.  $AUDITYPE_{it}$ : نوع حسابرس شرکت  $i$  در سال  $t$  است.  $\varepsilon_{it}$ : باقیمانده مدل رگرسیون می-باشد.

در مدل (۳) پژوهش، علاوه بر دو متغیر مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی، ۳ متغیر کنترلی وجود دارد که هر یک به شرح زیر می باشند:

**درصد اعضای موظف هیئت مدیره ( $INSD\%$ ):** عضو موظف هیئت مدیره عضوی است که در شرکت سمت اجرایی داشته باشد. وارفیلد و همکاران (۱۹۹۵) بیان کردند بین سهامداران مدیریتی و قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری رابطه منفی وجود دارد. پژوهشگران مذکور نتایج خود را با توجه به پژوهشهای برل و مینز (۱۹۳۲) و جنسن و مکلینگ (۱۹۷۶) تفسیر و بیان کردند سهامدارانی که به عنوان مدیر اجرایی شرکت هستند، به عنوان ساز و کار نظم دهی در شرکت می باشند. هر چند، کلین (۲۰۰۶) بیان کرد، اعضای موظف هیئت مدیره، سود را در جهت افزایش ارزش سهام خود مدیریت می کنند، پس یک ارتباط مثبت بین اعضای موظف هیئت مدیره و مدیریت سود وجود دارد.

**نوع حسابرس شرکت ( $AUDITYRE$ ):** لای (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که وقتی که حسابرسی شرکتهای با فرصت سرمایه گذاری بالا توسط حسابرسان عضو ۵ شرکت بزرگ حسابرسی انجام می شود، این شرکتها از ارقام تعهدی اختیاری کمتری استفاده می کنند. همچنین نونهل نهر و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید، موسسات حسابرسی با اندازه بزرگ (مانند سازمان حسابرسی) نسبت به سایر موسسات، باعث افزایش قابلیت اتکای ارقام تعهدی واحدهای تجاری می شوند. در این پژوهش شرکت هایی که سازمان حسابرسی، حسابرس آنها است، عدد یک و شرکتهایی که حسابرس آن ها موسسات حسابرسی خصوصی است، عدد صفر در نظر گرفته می شود.

**نسبت بازده دارایی ها ( $ROA$ ):** در برخی از پژوهشها نشان داده شده است که بازده دارایی ها با شاخص مدیریت سود رابطه عکس دارند (راس و سان، ۲۰۰۸). چرا که هرچه بازده دارایی ها پایین تر باشد، بدان معناست که شرکت سودآوری پایینی دارد و مدیریت

ترغیب بیشتری برای انجام مدیریت سود دارد. در این پژوهش، بازده دارایی ها از طریق سود قبل از مالیات تقسیم بر دارایی های کل به دست می آید.

### یافته های پژوهش

داده های مربوط به شرکت های بورسی مشکوک به تقلب طی سال های مورد بررسی (۱۳۸۷-۱۳۹۲) از منابعی نظیر تدبیر پرداز، ره آورد نوین، سایت بورس و ... استخراج و متغیرهای پژوهش به کمک صفحه گسترده اکسل محاسبه گردید و از نتایج آن به عنوان ورودی نرم افزار ۸ Eviews استفاده شده است.

### آمار توصیفی

در نگاره (۱) کمیت های آمار توصیفی متغیرهای مدل های مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی آورده شده است.

نگاره (۱) مقادیر آماره های توصیفی متغیرهای مورد استفاده در مدل های مدیریت

#### سود واقعی و تعهدی

متغیرها	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
<b>CFO</b>	۰/۱۲۸۰	-۰/۱۱۰۰	۰/۰۳	۰/۳۱۸۲۵	-۵/۶۵	۳/۹۹
<b>TACC</b>	۰/۰۱۵۳	-۰/۰۲۰۰	-۰/۰۲	۰/۹۹۶۷۷	-۱/۸۱	۲۴/۷۸
<b>SALE</b>	۱/۰۰۴۰	۰/۷۶۵۰	۰/۵۰	۱/۸۸۷۳۹	۰	۳۹/۶۱
<b>ΔSALE</b>	۰/۱۶۷۱	۰/۱۰۰۰	۰/۰۶	۰/۵۲۷۷۹	-۲/۰۷	۹/۴۹
<b>PPE</b>	۰/۳۴۴۴	۰/۲۲۰۰	۰/۰۸	۰/۶۴۹۵۹	۰	۸/۳۲

منبع: یافته های پژوهش

CFO: جریان های نقد عملیاتی

ΔSALE: تغییرات فروش

TACC: کل اقلام تعهدی

PPE: ناخالص اموال، ماشین آلات و

SALE: فروش

تجهیزات

همان طور که از نگاره (۱) مشخص است، میانگین جریان نقد عملیاتی، کل اقلام تعهدی، فروش، تغییرات فروش و ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت های مشکوک به تقلب به ترتیب حدود ۱۳ درصد، ۲ درصد، ۱۰۰ درصد، ۱۷ درصد و ۳۴ درصد دارایی - های سال گذشته آنها می باشد. همچنین بقیه مقادیر آمار توصیفی متغیرهای مدل های

مدیریت سود واقعی و تعهدی در نگاره (۱) ارائه شده است. نگاره (۲) نیز کمیت های آمار توصیفی متغیرهای مدل اصلی پژوهش را نشان می دهد.

نگاره (۲) مقادیر آماره های توصیفی متغیرهای مورد استفاده در مدل اصلی پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
AEM	۰	۰/۰۵۰۰	۰/۰۳	۰/۷۱۸۲۶	-۶/۱۶	۱۲/۳۹
REM	۰	-۰/۰۲۰۰	-۰/۰۸	۰/۲۷۱۴۱	-۳/۹۴	۱/۶۳
INSD%	۰/۳۷۲۴	۰/۴۰۰۰	۰/۴۰	۰/۲۰۸۸۷	۰	۱/۰۰
AUDITYPE	۰/۲۴۹۲	۰	۰	۰/۴۳۲۹۰	۰	۱/۰۰
ROA	۰/۱۳۷۱	۰/۰۸۰۰	۰	۰/۷۳۲۹۵	-۱/۳۶	۱۷/۸۵

منبع: یافته های پژوهش

AEM: ارقام تعهدی اختیاری (مدیریت سود تعهدی)  
 INSD%: درصد اعضای موظف هیئت مدیره  
 REM: جریان نقد اختیاری (مدیریت سود واقعی)  
 AUDITYPE: نوع حسابرس  
 ROA: بازده دارایی ها

همان طور که از نگاره (۲) مشخص است، به طور میانگین درصد اعضای موظف شرکت های مشکوک به تقلب ۳۷ درصد است؛ که کمترین و بیشترین آن نیز به ترتیب صفر و ۱۰۰ درصد می باشد. همچنین به طور میانگین بازده حاصل از دارایی های شرکتهای مشکوک به تقلب، حدود ۱۴ درصد می باشد. بقیه مقادیر آمار توصیفی در نگاره (۲) ارائه شده است. نگاره (۳) نیز ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

نگاره (۳). ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش

ROA	AUDITYYPE	INSD%	REM	AEM	
				۱	AEM
			۱	-۰/۸۴۵	REM
				۰	P-value
		۱	-۰/۰۵۳	۰/۰۶۱	INSD%
			۰/۱۷۸	۰/۱۲۱	P-value
	۱	۰/۰۳۷	۰/۰۳۰	-۰/۰۱۲	AUDITYYPE
		۰/۳۴۹	۰/۴۴۳	۰/۷۶۳	P-value
۱	۰/۱۰۱	۰/۰۵۳	۰/۰۰۱	۰	ROA
	۰/۰۱۱	۰/۱۷۷	۰/۹۷۷	۰/۹۹۳	P-value

منبع: یافته های پژوهش

AEM: اقلام تعهدی اختیاری (مدیریت سود تعهدی)  
 INSD%: درصد اعضای موظف هیئت مدیره  
 REM: جریان نقد اختیاری (مدیریت سود واقعی)  
 AUDITYYPE: نوع حسابرس  
 ROA: بازده دارایی ها

همان طور که از نگاره (۳) مشخص است ارتباط بین مدیریت سود واقعی (REM) و مدیریت سود تعهدی (AEM) (-۰/۸۴۵)، منفی و معنی دار می باشد. این خود نشان دهنده این است که این دو متغیر با یکدیگر ارتباط منفی داشته و به نوعی می توان گفت در شرکتهای مشکوک به تقلب، کاهش (افزایش) یک مدیریت سود باعث افزایش (کاهش) دیگری می شود.

آمار استنباطی و آزمون فرضیه

به منظور ارایه و تحلیل نتایج پژوهش، ابتدا به بررسی آزمون های مربوط به مدل پژوهش، پرداخته می شود. بدین منظور ابتدا آزمون F لیمر مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به بررسی انجام شده بر روی آزمون F لیمر، نتیجه گرفته شد که در جهت آزمون فرضیه پژوهش، از مدل ساختار ترکیبی پانل استفاده شود. سپس آزمون هاسمن مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه آزمون هاسمن نشان می دهد که جهت آزمون فرضیه پژوهش از ساختار



ترکیبی دیتا پانل با اثرات تصادفی استفاده شود. از بابت بررسی مانایی سری های زمانی نیز از آزمون ریشه واحد استفاده شد. برای آزمون ریشه واحد از روشهای آماری مختلفی استفاده شده است، از جمله می توان روشهای آماری ایم- پسران و شین، دیکی فولر تعمیم یافته و فیلیپس پرون اشاره کرد. با توجه به نتیجه آزمون ریشه واحد، فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می شود. در نتیجه می توان بیان کرد نتایج رگرسیون ساختگی و جعلی نیست.

در جهت پیاده سازی مدل آماری، ابتدا به محاسبه سطوح مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی با استفاده از مدل های مربوط به مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی پرداخته و آنها برای نمونه های موردنظر و به صورت سال/ شرکت برآورد شده است و سپس مقادیر باقی مانده برآوردها به عنوان مدیریت سود واقعی (REM) و مدیریت سود تعهدی (AEM) محاسبه شده است. نتیجه آزمون فرضیه که حاصل اجرای مدل رگرسیون معمولی با اثرات تصادفی است در نگاره (۴) ارائه گردیده است.

نگاره (۴) تخمین مدل اصلی پژوهش

متغیر مستقل	ضریب	آماره t	احتمال	شاخص تورم واریانس (VIF)
C	-۰/۰۱۱۰۶۶	-۰/۲۵۸۳۲۱	۰/۷۹۶۲	
REM	-۲/۴۸۴۷	-۵۳/۳۲۲۱۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰
INSD%	۰/۰۵۱۴۶۷	۰/۵۶۸۶۸۲	۰/۵۶۹۸	۱/۰۰
AUDITYPE	۰/۰۰۰۸۳۴	۰/۰۲۲۰۶۲	۰/۹۸۲۴	۱/۰۰
ROA	-۰/۰۶۰۵۲۳	-۳/۷۸۸۹۴۴	۰/۰۰۰۲	۱/۰۱
آماره دوربین واتسون	۱/۶۱	آماره F		۷۲۲/۷۱۷۵
R <sup>2</sup>	۰/۸۱۹	احتمال		۰/۰۰۰۰
Adjusted R <sup>2</sup>	۰/۸۱۸			

منبع: یافته های پژوهش

AUDITYPE: نوع حسابرس

C: متغیر ثابت

ROA: بازده دارایی ها

REM: جریان نقد اختیاری (مدیریت سود واقعی)

INSD%: درصد اعضای موظف هیئت مدیره

آزمون دوربین واتسون برای بررسی و تشخیص خود همبستگی اجزای خطا در داده های تلفیقی می باشد. در صورتی که آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، به معنی

عدم وجود خودهمبستگی است. با توجه به این که آماره دورین واتسون مدل پژوهش، که در نگاره ۴ نشان داده شده است، برابر ۱/۶۱ است، در نتیجه می توان بیان کرد بین اجزای خطا خودهمبستگی وجود ندارد. همچنین شاخص تورم واریانس (VIF) برای آزمون هم خطی متغیرهای مستقل می باشد. هم خطی چندگانه یکی از دلایل افزایش خطای استاندارد برآورد ضریب رگرسیونی و در نتیجه کاهش کارایی مدل بوده و ممکن است منجر به پیش بینی های خارج از دامنه مورد انتظار شود. در این پژوهش، به منظور بررسی وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل، از شاخص عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. در صورتی که مقدار این آماره بین ۱ و ۵ باشد، مشکل هم خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. با توجه به شاخص تورم واریانس (VIF) متغیرهای مستقل، که در نگاره ۴ نشان داده شده است، بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد. همان طور که در نگاره ۴ مشاهده می شود،  $R^2$  تعدیل شده در این نگاره، حاکی از آن است که حدود ۸۲ درصد از تغییرات در مدیریت سود تعهدی، در نمونه این پژوهش، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود و با توجه به آماره  $F$  و مقدار احتمال متناظر آن (۰/۰۰۰)، کل مدل رگرسیون خطی از لحاظ آماری معنی دار می باشد. همچنین ضریب متغیر مدیریت سود واقعی (REM) منفی و از لحاظ آماری نیز معنی دار می باشد. این نشان دهنده این است که چنانچه در شرکتهای مشکوک به تقلب مدیریت سود واقعی افزایش (کاهش) یابد، مدیریت سود تعهدی (افزایش) می یابد. در نتیجه فرضیه پژوهش که بیانگر تاثیر مثبت و معنی دار مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های مشکوک به تقلب می باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رد می شود. در رابطه با متغیرهای کنترلی نیز لازم به ذکر است، بازده دارایی ها با مدیریت سود تعهدی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ارتباط منفی و معنی داری دارد و همچنین نتایج آماری مذکور نشان می دهد، درصد اعضای موظف هیئت مدیره و نوع حسابرس با مدیریت سود تعهدی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ارتباط معنی داری ندارند.

### بحث و نتیجه گیری

دچو و همکاران (۱۹۹۶) بیان کردند، با توجه به این که مدیریت سود محدودیت در انعطاف پذیری دارد، این احتمال وجود دارد که مدیران به جهت رسیدن به اهداف مورد نظر دست به فعالیت های تقلب آمیز بزنند. به طوری که جونز و همکاران (۲۰۰۸) بیان

کردند، بین ارقام تعهدی اختیاری و تقلب یک ارتباط مثبت وجود دارد. با توجه به این که از طرفی متداولترین روش های مدیریت سود، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی است (سانجایا و ساراگیه، ۲۰۱۲) و از طرف دیگر قبل از به کارگیری مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی مد نظر قرار داده می شود (زنگ، ۲۰۰۷)؛ برانز و مرچنت (۱۹۹۰) و گراهام و همکاران (۲۰۰۵) نیز بیان کردند مدیریت سود تعهدی بدون مدیریت سود واقعی ریسک بالایی دارد؛ بنابراین در پژوهش حاضر ارتباط مدیریت سود واقعی و تعهدی را در شرکت های مشکوک به تقلب مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از داده های مربوط به ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که براساس معیارهای پژوهش فرکاندوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳) مشکوک به تقلب در نظر گرفته شده اند، در طی دوره زمانی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲، نشان می دهد که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تاثیر منفی و معنی داری دارد. این نتیجه آماری بیانگر این است که شرکت های بورسی مشکوک به تقلب، یکی از روش های مدیریت سود را در جهت هدف مدیریت سود خود انتخاب می کنند. به نوعی چنانچه مدیریت سود واقعی در طی سال افزایش (کاهش) یابد، مدیریت سود تعهدی در پایان سال کاهش (افزایش) می یابد. همچنین این نتیجه با پژوهش های انجام شده توسط سانجایا و ساراگیه (۲۰۱۲) و ماتسورا (۲۰۰۸) مبنی بر تاثیر مثبت و معنی دار مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی، مطابقت ندارد. لازم به ذکر است، در پژوهش های مذکور بررسی های انجام گرفته بر روی مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی، در کل شرکتها صورت گرفته است ولی این بررسی در پژوهش حاضر در شرکت های مشکوک به تقلب صورت گرفته است؛ شاید تاثیر منفی و معنی دار مدیریت سود واقعی بر تعهدی در این پژوهش، از بابت تفاوت در نوع جامعه آماری باشد. در کل به پژوهشگران، استانداردگذاران و حسابرسان پیشنهاد می شود که در شرکتهای مشکوک به تقلب، در جهت هدف موردنظر خود، علاوه بر مدیریت سود تعهدی به مدیریت سود واقعی نیز توجه لازم داشته باشند. همچنین در رابطه با بازده دارایی ها، بایستی بیان کرد که بین بازده دارایی ها و مدیریت سود تعهدی در شرکت های مشکوک به تقلب، ارتباط منفی و معنی داری وجود دارد؛ به نوعی هر چه بازده دارایی ها پایینتر باشد، شرکت سودآوری پایینی دارد و مدیریت ترغیب بیشتری برای انجام مدیریت سود دارد. این نتیجه گیری با نتیجه پژوهش راس و سان (۲۰۰۸) مطابقت دارد. در رابطه با

سایر متغیرهای کنترلی نیز لازم به ذکر است بین درصد اعضای موظف هیئت مدیره و همچنین نوع حسابرسی با مدیریت سود تعهدی در شرکت های مشکوک به تقلب، ارتباط معنی داری وجود ندارد. این ارتباط بدین معناست که در شرکت های مشکوک به تقلب، سازمان حسابرسی تاثیر بااهمیتی در کاهش مدیریت سود تعهدی نداشته است. لازم به ذکر است کیفیت کار حسابرسی اهمیت بالایی دارد، چرا که حسابرسی صورت های مالی به عنوان یکی از عوامل موثر در ساز و کارهای کنترلی در نظر گرفته می شود و همچنین حسابرسان در فرآیند رسیدگی به صورت های مالی در قبال موارد عینی تقلب و جوانب ناسالم و متقلبانه مدیریت سود مسئولیت رسیدگی دارند (شمسایی، ۱۳۹۲).

### محدودیت و پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی

محدودیتی که در این پژوهش وجود دارد این است که دستکاری و تغییر فعالیتهای واقعی الزاما به معنای مدیریت واقعی سود به طور آگاهانه نیست. بنابراین در تفسیر و استفاده از نتایج پژوهش هایی از این قبیل بایستی به این مساله توجه زیادی داشت. در رابطه با پیشنهادهای پژوهش های آتی، می توان هر یک از معیارهای مدیریت سود واقعی (هزینه های اختیاری غیر عادی، تغییر زمان فروش دارایی ها، جریان نقد عملیاتی غیرعادی و ...) را با مدیریت سود تعهدی در شرکتهای مشکوک به تقلب مورد بررسی قرار داد. همچنین می توان از طریق پژوهشهایی با رویکرد کیفی همچون تئوری داده بنیاد به بررسی دلایل تمایل و همچنین زمان اقدام مدیران به مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی، از طریق مطالعه ادبیات مختلف و مصاحبه با مدیران ارشد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پرداخت.

## منابع

- انصاری، عبدالمهدی؛ دری سده، مصطفی؛ نرگسی، مسعود، بررسی تاثیر دستکاری فعالیتهای واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، ۱۳۹۲.
- بهارمقدم، مهدی؛ حسنی فرد، حبیبه، بررسی رابطه بین رویدادهای مالی واقعی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶-۱۶۰.
- حسینی، علی، مهم ترین تقلب در شرکت های بورسی، روزنامه جهان صنعت، ۱۳۹۰، ۸ (۲۱۳۴): ۵.
- حسینی، علی، مهم ترین تقلب در شرکت های بورسی، مجموعه مقالات دومین کنفرانس سالانه پیشگیری از تقلب و سوء استفاده های مالی، ۲۹ و ۳۰ آذر. تهران، ۱۳۹۰.
- خیراللهی، فرشید؛ بهشور، اسحاق؛ ایوانی، فرزاد، مدیریت سود واقعی، حاکمیت شرکتی و نگهداشت وجه نقد، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۱، شماره ۴۴، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵-۱۶۱.
- رحمانی، علی، حسابرسان و مدیریت سود، حسابرس، ۱۳۸۹، شماره ۴۹، ص ۱۰۴-۱۱۱.
- شمسایی، وحید، مدیریت سود و تقلب در گزارشگری مالی: تشخیص نقاط تمایز توسط حسابرسان، مجله حسابرس، ۱۳۹۲، شماره ۴۶، ص ۱۰۶۶-۱۱۴.
- فرقاندوست حقیقی، کامبیز و فرید برواری، بررسی رابطه روش های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت های مالی: تقلب مدیریت، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری، ۱۳۸۸، ۵ (۱۶): ۶۵-۷۰ و ۱۸-۲۳.
- فرقاندوست حقیقی، کامبیز؛ هاشمی، سید عباس، فروغی دهکردی، امین، مطالعه رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، ۱۳۹۳، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ص ۴۷-۶۸.
- کریمی، غلامرضا؛ داوری نژاد مقدم، اعظم؛ تحریری، آرش، بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری به منظور هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۳۹۰، سال نهم، شماره ۳۱، ص ۶۱-۷۶.

مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ مهرانی، کاوه، کرمی، غلامرضا، نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۴، شماره ۴۲، ص ۷۴-۶۱.

نوروش، ایرج؛ سپاسی، سحر؛ نیک بخت، محمدرضا، بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۴، دوره بیست و دوم، شماره دوم (ویژه نامه حسابداری)، پیاپی ۴۳.

وکیلی فرد، حمیدرضا و سعید جبارزاده کنگرلویی و اکبرپوررضا سلطان احمدی، بررسی ویژگی های تقلب در صورت های مالی، ماهنامه حسابداری، ۱۳۸۸، ۲۴ (۳): ۳۶-۴۱.

یعقوب نژاد، احمد؛ بنی مهد، بهمن؛ شکری، اعظم، ارائه الگو برای اندازه گیری مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۱۳۹۱، سال پنجم، شماره دوازدهم، ص ۱-۱۶.

- Aboody, D. And Kaznik, R, *CEO Stock Option Awards And The Timing Of Corporate Voluntary Disclosures*, Journal Of Accounting & Economics, 2000, 29, 73- 100.
- Bruns, W., Merchant, K., *The dangerous morality of managing earnings*, Management Accounting, 1990, 72, 22-25.
- Cohen d.a., dey, a., lys t.z., *real and accrual- based earnings management in the pre- and post- Sarbanes oxley periods*, social sciences research network, 2007, pp. 1-52.
- Dechow, P., Sloan, R., & Sweeney, A, *Causes and consequences of earnings manipulations: An analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC*, Contemporary Accounting Research, 1996, 13(1), 136.
- Dechow, P.M. and Skinner, D.J. *Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators*. *Accounting Horizons*, 2000, 14 (June): 235-250.
- DeGeorge, F. Patel J. and Zeckhauser R, *Earnings Management To Exceed Thresholds*, Journal of Business, 1999, 72: 1-33.
- Graham, J.R., Harvey, C.R., Rajgopal, S., *The economic implications of corporate financial reporting*, Journal of Accounting and Economics, 2005, 40, 3-73.
- Gunny, K, *The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmark*. Contemporary Accounting Research, 2010, 27 (2), 855-888.

- Gunny, k., *what are the consequences of real earning management?* Working paper, university of California, 2005.
- Healy, P. M., and Wahlen, J. M, *A review of the earnings management literature and its implications for standard setting*, Accounting horizons, 1999, 13: 365-383.
- Herrmann, T., Inoue, T. And Thomas, W.B, *The Sale Of Assets To Manage Earnings In Japan*, Journal Of Accounting Research, 2003, 41 (1): 89-108.
- Jones, K. L., Krishnan, G. V., & Melendrez, K. D, *Do models of discretionary accruals detect actual cases of fraudulent and restated earnings? An empirical analysis*, Contemporary Accounting Research, 2008, 25(2).
- Klein, A., *Audit Committee, Board of Director Characteristics, And Earnings Management*. Working Paper, 2006, [Http://Ssrn.Com/Abstract=246674](http://Ssrn.Com/Abstract=246674).
- Kothari, S., A. Leone, & C. Wasley, *Performance matched discretionary accrual measures*. Journal of Accounting & Economics, 2005, 163-197.
- Magrath, L., and Weld, L.G, *Abusive earnings management and early warning signs*, The CPA Journal, 2002, 72 (8), 50 – 54
- Maher, W Michael. Stickney, P Clyde. Weil, L Roman, *Managerial Accounting: An Introduction to Concepts, Methods, and Use*, 10<sup>th</sup> ed. Mason. OH, 2007.
- Matsuura, S, *On the relation between real earnings management and accounting earnings management: Income smoothing perspective*, Journal of International Business Research, 2008, 7(3), 63-82.
- Md. Musfiqur Rahman, Mohammad Moniruzzaman and Md. Jamil Sharif, *Techniques, motives and controls of earnings management*, International Journal of Information Technology and Business Management, 2013, 11 (1), 26 – 31
- Nakashima. M., ziebart. D., *did Japanese- sox have an impact on earnings management and earnings quality?*, managerial auditing journal, 2015, vol 30, pp. 482-510.
- Perols, J. L., & Lougee, B. A, *The relation between earnings management and financial statement fraud*. Advances in Accounting, 2011, 27(1), 39 – 53.
- Rath , Subhrendu & Sun ,Lan, *An Empirical Analysis Of Earnings Management In Australia*, Curtin University Of Technology, 2008, ISSN:1835- 9450.
- Roychowdhury, S., *Earnings management through real activities manipulation*, Journal of Accounting and Economics, 2006, 41: 335-370.
- Sanjaya, P.S. and Saragih, M.F, *The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in*

- Indonesia Stock Exchange (IDX)*. Journal of Modern Accounting and Auditing, 2012, Vol. 8, No. 9, 1291-1300.
- Schipper, K, *Earning Management*, Accounting Horizons, 1989, Dec, 91-102.
- Thomas, J. K., and H. Zhang, *Inventory changes and future returns*, Review of Accounting Studies, 2002, 7: 163-187.
- Warfield, T.D. Wild J. And Wild, K.L, *Managerial Ownership, Accounting Choices. And Informativeness of Earnings*, Journal of Accounting & Economics, 1995, 20, 61- 92.
- Yermack, D, *Good Timing: CEO Stock Option Awards And Company New Announcements*, Journal of Finance, 1997, 52, 4449- 476.
- Yu, W, *Accounting-Based Earnings Management And Real Activities Manipulation*. Dissertation, Georgia Institute of Technology, 2008.
- Zang, A, *Evidence on the Tradeoff between Real Manipulation and Accrual Manipulation*, Working paper, University of Rochester, 2007.